

## سرمقاله

گر از نیستی دیگری شد هلاک

تو را هست، بط را ز طوفان چه باک؟

« شیخ اجل سعدی »

## چه کسی ملامت است؟

شیخ اجل سعدی، بیت فوق را در حکایتی به معنی رحمت با ناتوانان در حال توانایی، ذکر کرده و در آن گفتگو بین دو دوست را یاد آوری می کند که، یکی صاحب جاه و مال و مکتب بود ولی از رنج و درد خشکسالی و تنگدستی که مردم گرفتار آن بودند، شکایت می کرد. دوست دیگرش به او گفت: کسانی باید شکایت کنند که از این ناهمواری ها رنج می برند و کسانی باید بمیرند که چیزی در دست ندارند و تو که همه چیز را در اختیار داری نباید از تنگ دستی شکایت کنی و از وضعیت پیش آمده بنالی!

آن دوست وی به گونه عالمانه گفت: انسان هر قدر از مشکلات و حوادث در کنار است، باید از رنج و نا آرامی رفیقان و کسانی که در اوج مشکلات به سر می برند، بی درد و بی پروا به سر ببرد.

امروز، در اطراف و گوشه های شهر می گردیم چشم مان به کسانی می خورد که از مناطق مختلف شهر مهاجر شده و به سمت مرکز چغچران سرازیر گردیده اند، و یا کسانی را سراغ داریم که سال ها پیش به خاطر نابسامانی ها و نا همواری های که دامنگیر شان بوده، در داخل شهر آمدند و تمام توان و تلاشی که داشتند به خرج دادند، باز هم صاحب سر پناهی نشدند که شب را در آن به سر ببرند و اینک در زیر خیمه های سرد، در سرمای زمستان، به سر می برند. اگرچه مسوولین و ادارات مربوط می گویند که تمام مهاجرین و بیجا شده گان و افراد بی چیز و فقیر را سروی نمودند و برای آنها کمک های لازم صورت گرفته و یا هم در آینده نزدیک صورت خواهد گرفت. اما تعدادی از بیجا شده گان و مهاجرین می گویند:

به خاطر این که کسی را ندارند و بی واسطه هستند، کسی به آنها کمک نکرده و آنها با وضعیت ناگوار و مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می کنند. اگر چنان باشد واقعاً جای نگرانی است که ما همه به فکر خود باشیم و از کسانی که در بهار با گرمای تند و طاقت فرسا مبارزه می کنند و زمستان با سرمای شدید دست و گریبان هستند، بی خبر باشیم و درد آنها را احساس نکنیم. به استاد اینک: «تورا هست، بط را ز طوفان چه باک» و یا سخن زیبای دیگر سعدی که می گوید:

تو خفته خنک در حرم نیمروز

غریب از برون گو به گرما بسوز

هرکس اگر به فکر خود باشد و این که دیگران از سرما و گرما جان می دهند، به آنها چه، پس جای نگرانی و تأسف است.



امسال وزارت تحصیلات عالی در پروسه برگزاری کانکور، غور را از زاویه دیگر می بیند

## اما غور باز هم مقام اول را کسب خواهد کرد!

آزمون ملی و سرنوشت ساز کانکور، روز پنجشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۱ در محوطه لیسسه عالی سلطان علاو الدین غوری، برگزار گردید.

تعداد ۲۶۷۲ فارغان صنف ۱۲ پسر و دختر، از مکاتب مختلف مربوط مرکز و ولسوالی های ولایت غور، در این آزمون با ارزش و مهم اشتراک ورزیده و اندوخته های خویش را که در جریان دوازده سال، به عنوان تجارب علمی کسب کرده بودند، مورد سنجش و آزمایش قرار دادند.

اما چگونگی برگزاری و راه اندازی امتحان کانکور در این ولایت، متفاوت از سال های گذشته به نظر می رسد. همان گونه که تمام شهروندان عزیز در جریان هستند وزارت محترم تحصیلات عالی، همه ساله هیأتی را به ترکیب ۹ الی ۱۰ نفر جهت اخذ امتحان کانکور و پیشبرد این پروسه در ولایت غور اعزام می کرد و به مدت دو روز مطابق پلان های مطروحه خویش پروسه را برگزار کرده که به گونه شفاف و بدون دغدغه این پروسه به پیش رفته و کار آن عملی می شد. ولی امسال وزارت محترم تحصیلات عالی، هیأتی به ترکیب ۲۲ نفر اساتید و نماینده گان آن وزارت را غرض اخذ امتحانات و پیش برد این پروسه اعزام داشته تا پروسه را به مدت یک روز و به گونه سخت گیرانه تر و فشرده تر به پیش ببرند.

علت این سخت گیری ها و تغییر دید نسبت به مردم و دانش آموزان این ولایت اما در کجاست، باید خاطر نشان ساخت که سال گذشته، بر اساس اعلام نتایج کانکور، دانش آموزان ولایت غور، نفر اول تا دوم امتحان کانکور در سطح کل کشور، شناخته شدند.

عبدالقاسم و ذبیح الله دانش آموزان ولایت غور با دریافت ۳۳۳ امتیاز، مقام اول تا دوم امتحان کانکور در سطح کشور را از آن خود کردند.

غور از محروم ترین ولایات کشور است که باشندگان آن سطح زندگی پایین تری نسبت به دیگر ولایات کشور دارند. با این حال، نا گفته پیداست که در این ولایت کمترین بازسازی صورت گرفته است و اغلب مکاتب در این ولایت ساختمان ندارد و دانش آموزان در فضای باز و با کمترین امکانات درسی، آموزش می بینند.

به دست آوردن درجه بلند علمی و کسب مقام نخست توسط شاگردان ولایت غور، سبب شده تا بیشتر مسوولین و دولت مردان دست اول کشور، نسبت به شاگردان و دانش آموزان این ولایت به دیده شک نگاه کنند، بی خبر از این که غور، با پروراندن ابر مردان و دانشمندان در دامن پر افتخارش در طول تاریخ و در همه عرصه های زندگی، حماسه آفرین و پر افتخار ترین عضو، در پیکر کشور نازنین مان افغانستان بوده است. اگر چه از نگاه پیشرفت اقتصادی، سطح بازسازی و پیشرفت ... دور و پایین نگاه داشته شده ولی از لحاظ پیشرفت معنوی، کسب مقام های رفیع علمی، در قله های موفقیت پرواز خواهد کرد که این ویژگی هیچ ربطی به پایین بودن سطح زندگی و محرومیت اقتصادی و بازسازی ندارد...

ادامه مطب صفحه ۲

## آیا می دانید؟

آیا می دانید پیامبر اسلام (ص)، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف است. مادر ایشان آمنه و مادر رضاعی (شیرده) ایشان حلیمه سعديه و اولین زنی که به ایشان شیر داد، ثویبه اسلمیه، کنیز ابو لهب بود؟

آیا می دانید پیامبر اسلام (ص)، ولادت ایشان روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول، بعثت ایشان روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول، هجرت ایشان از مکه به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول و رحلت ایشان نیز روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود؟

آیا می دانید که رسول الله (ص) یازده تا زن داشتند و اسامی ایشان اینها یند: ۱- خدیجه، ۲- عایشه، ۳- حفصه، ۴- ام حبیبه، ۵- ام سلمه، ۶- سوده، ۷- زینب بنت خزیمه، ۸- میمون، ۹- زینب بنت جحش، ۱۰- جویریة، ۱۱- صفیه.

آیا می دانید «اسماء بنت نعمان الکنديه» و «أمیمه بنت نعمان بن شرحبیل» دو زنی بودند که رسول الله (ص) عقد نکاح بر آنان بست و قبل از دخول و عروسی آنها را طلاق داد؟

آیا می دانید که عایشه صدیقه تنها زنی باکره بی بود که رسول الله (ص) با او از دواج نمود و باقی زنان پیغمبر همه بیوه بودند؟

آیا می دانید تعداد احادیثی که عایشه صدیقه از پیامبر (ص) روایت کرده اند، دو هزار و دو صد و ده حدیث است؟

آیا می دانید که پسران رسول الله (ص)، قاسیم، ابراهیم و عبدالله و دختران آن حضرت، زینب، رقیه، فاطمه و أم گلثوم بودند؟

آیا می دانید که حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروغ (رض) خسران رسول الله (ص) و حضرت عثمان و علی (رض) دامادان پیامبر اسلام (ص) بودند؟

آیا می دانید که حضرت عثمان، دو دختر پیامبر خدا (رقیه و أم گلثوم را بعد وفات رقیه) به نکاح داشت به همان سبب عثمان ذی النورین (صاحب دو نور) نامیده شد؟

آیا می دانید صحابه که به دو پیامبر ایمان آورد سلمان فارسی بود؟

آیا می دانید اصول دین سه تا بوده و عبارت از: توحید، رسالت و قیامت می باشد؟

... ادامه صفحه ۴

# اطفال خود را چگونه تشویق می کنید؟

**محمدنصیر توکلی**

این درست نیست. چرا؟ چون احمد خودش همانجا است، چرا خودتان مستقیم به احمد نمی گویند؟ باید خودتان مستقیم به احمد بگویید که احمد جان، پسر من، عزیزم! این کاری که انجام دادی خیلی خوب بود، آفرین!

**شش) سعی کنید دیگران هم در تشویق شما همراه باشند.**

به خاطری که مسأله تربیتی یک پروژه و یک طرح است. بنا براین باید سعی کنند همه باهم عمل کنند ؛ به عنوان مثال : اگر کسی کودک خود را تشویق می کند باید همسرشان هم در این تشویق سهم بگیرد و با تشویق کردن کودک ، شوهر خود را تایید کند.

زیرا اگر پدر تشویق می کند و مادر تایید نمی کند و چیزی دیگری مطرح می کند، این تشویق اثر رشد و اصلاح را از دست می دهد.

**هفت) اگر تشویق به حضور دیگران باشد خیلی بهتر است.**

اگر می خواهید تشویق شما اثر بیشتری داشته باشد، همیشه سعی کنید اطفال تان را در حضور دیگران تشویق کنید ، چون اطفال ، به ویژه خرد سالان ،خوش دارند که پدر و مادر، در حضور دیگران آنها را تعریف کنند.

**هشت) تشویق باید جزئی باشد نه کلی.**

همیشه باید توجه داشته باشید ، هیچ وقت به کودک خود نگویید که کار خود را خوب انجام دادی. این که: « کار خود را خوب انجام دادی» این کلی است. معلوم نیست که کدام کار؟ چه کاری ؟ چگو نه؟ کی؟ کجا ؟

باید دقیق انگشت بگذارید، جزئی و عینی تشویق کنید تا بداند که چرا و به خاطر چه او را تشویق می کنید. موردی را که در آن زمینه کودک خود را تشویق می کنید حتما بگویید ؛ مثلاً :

✓ ازین که کار خانگی خود را نوشتی ، آفرین!

✓ ازاین که دست و صورتت را پاک شستی ، آفرین !  
✓ این که لباس هایت را آویزان کردی خیلی خوشم آمد ، و غیره

یا اینکه به طور کل ، شما به کودک تان می گویند: تو ،راست گو هستی. در حالی که او دیروز دروغ گفته. این کلمه شما جلوی پیشرفت و اصلاح او را می گیرد و او با خودش می گوید که اگر گاهی دروغ بگویم ، باز همین که راست گفتم دیگر مشکلم حل می شود یعنی به عنوان راستگو ، شناخته می شوم.

شما باید سعی کنید درست روی همان موردی که راست گفته انگشت بگذارید و به طفل تان بگویید : این که راست گفتم خوشم آمد و تشکر ازین که راست گفتمی و همیشه سعی کن راست بگویی. یعنی باید جزئی باشد. نه کلی.

یا به عنوان مثال تو که ارسطو هستی ، تو که نابغه ای ، چرا درس نمی خوانی یا چرا نتیجه خوب نداری؟ و امثال اینها.

واقعاً نباید چنین جمله ها و عبارت های که حقیقت ندارد ، گفته شود. باید کلماتی را به کار ببرید که مطابق به استعداد اطفال باشد و متناسب به فعالیت و درک وی کلمات تشویقی خود را به کار ببرید. چون طفل ، خودش می داند که هوش سرشار و زیادی ندارد، و تلقی می کند که یا پدر و مادر ندانسته اند که من درک سرشار و فراوانی ندارم و یا اینکه پدر و مادر می دانند ولی دروغ می گویند و به این کلمات خویش می خواهند من را فریب دهند. این هر دو غلط است و اثر بسیار بدی را در باور های کودک ایجاد می کند.

**چهار) تشویق نباید مطلق باشد.**

فرض کنید فرزند شما نقاشی کرده و آورده است تا به شما نشان دهد. در حقیقت، خود نقاشی خوب است اما رنگ آمیزی آن خوب نیست. شما مطلق او را تشویق می کنید و به او می گویند به به خیلی خوب نقاشی کردی! در حالیکه رنگ آمیزی آن خوب نیست. بنا براین او متوجه عیب کارش نشده و مشکل خود را بر طرف نمی تواند و شما با این رفتار تان زمینه رشد و اصلاح را از او می گیرید. پس باید بگویید که آفرین نقاشی تان خیلی خوب است. اگر یک اندازه به رنگ آمیزی آن دقت می کردید خیلی عالی می شد.

یا به عنوان مثال اطلاع نامه اش را آورده ، خیلی از درس هایش نمره خوب دارد ، شما برای آن درس های خوب تشویقش می کنید اما یک مضمون نمره اش پایین است، این را نباید بگویید خوب است. خیلی ساده می توانید بگویید که آفرین زحمات شما واقعاً قابل قدر است ولی اگر نمره این یک مضمون هم بالاتر می بود دیگه کاملاً خوب می شد. ولی می دانم تو در حد توانت سعی کردی ، زحمت کشیدی. من راضی هستم. تا او بتواند متوجه عیب کار خود شده و تشویق شما زمینه اصلاح و رشد را برایش فراهم کند.

**پنج) تشویق باید مستقیم باشد.**

به این معنا که گاهی پدر می خواهد فرزند خود - مثلاً احمد را - در حضور مادرش تشویق کند.

به مادرش می گوید که از کاری که احمد انجام داده خیلی خوش حالم...

بنا به ارزش و اهمیت فراوانی که تشویق در وجود اطفال دارد و به رشد و اصلاح طفل و رهبری ذهن نا خود آگاه او بسیار تاثیر گذار می باشد، تصمیم گرفتم تا شرایط تشویق را خدمت خواننده گان محترم تحریر نموده و به دسترس قرار دهم:

**یک) تشویق باید متناسب با سن کودک باشد.**

طبیعی است که ما کودک بزرگ و کودک کوچکتر را یکسان تشویق نمی کنیم. معمولاً کودک خردتر، با بوسیدن ، در آغوش گرفتن و ناز و نوازش کردن، بیشتر تشویق شده و رشد بهتری می کند. ولی برای کودکان بزرگتر، بیشتر از تشویق های عملی استفاده باید کرد؛ مانند: برآوردن نیازها و خواسته های ایشان. چون اطفال زمانی که بزرگتر می شوند، به ویژه نو جوانان، نیازمندی های شان بیشتر است و ما از طریق رفع نیازمندی ها و یا تشویق های لفظی می توانیم ایشان را درک کنیم؛ مثلاً:

✓ برای اینکه طفل شما تشویق شود، چیزی برایش می خرید.

✓ آفرین پسرما! که دندان هایت را برس کردی.

✓ ازین که دست هایت را با آب و صابون شستی، تشکر.

**دو) باید تشویق به اندازه عمل باشد.**

ممکن است بعضی از خانواده ها با انجام یک عمل کوچک که فرزند شان انجام داده و نیاز به تشویق داشته، تشویق بسیار بزرگی را به کار ببرند. پرسش اینجاست که اگر فرزند شما کار بزرگتری را انجام داد چکار می کنید؟ و یا کار بهتر ازین انجام داد چه می کنید؟ طبعاً ، باید از تشویق های کوچک و متناسب با عمل شروع کنید. ممکن است با یک کلمه تشویق آمیز، نوازش یا خریدن چیزی، او را تشویق کنید. اما باید جایی برای تشویق های بعدی و بزرگتر باز بگذارید ، تا در رشد ها و پیشرفت های بعدی ، بتوانید او را در همان زمینه تشویق کنید.

**سه) تشویق باید واقعی باشد.**

گاهی ما شنیده ایم که جمله های تشویق کننده خیلی اثر می گذارند ولی واقعاً حساب نمی کنیم که این تشویق مان واقعی است یا خیر؛ مثلاً : کودک کسی درس نمی خواند و از لحاظ درک و یادگیری مشکل دارد، پدر یا مادر می خواهد او را وادار به درس خواندن کند ، می گوید: عزیزم! تو که ازین هوش سر شار بهره مندی ، تو که چنین هوشی داری، ...

## ادامه اما غور باز هم

### مقام اول را ...

لیست شاگردانی که از طبقه ذکور و اناث در سال ۱۳۹۲ از مکاتب مختلف ولایت غور در کانکور اشتراک کردند ، قرار ذیل است:

**مرکز ولایت :**

تعداد شاگردان ذکور: ۹۰۱ نفر،تعداد شاگردان اناث: ۱۵۴ نفر،تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۱۵۵ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۱۱ نفر.

**ولسوالی لعل و سرجنگل:**

تعداد شاگردان ذکور: ۵۰۲ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۱۴۳ نفر،تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۵۲ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۴ نفر.

**ولسوالی تیوره:**

تعداد شاگردان ذکور: ۱۳۲ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۵ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۶۳ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۴ نفر.

**ولسوالی دولتیار:**

تعداد شاگردان ذکور: ۸۴ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۶۴ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۳۳ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۹ نفر.

**ولسوالی شهرک:**

تعداد شاگردان ذکور: ۴۵ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۱ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۱۵ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

**ولسوالی چهارسده:**

تعداد شاگردان ذکور: ۷ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۰ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۸ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

**ولسوالی تولک:**

تعداد شاگردان ذکور: ۵۳ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۳ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۱۷ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

**ولسوالی دولینه:**

تعداد شاگردان ذکور: ۱۷ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۰ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۴ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

**ولسوالی پسانده:**

تعداد شاگردان ذکور: ۴۶ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۰ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۱۱ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

**ولسوالی ساغر:**

تعداد شاگردان ذکور: ۷۱ نفر، تعداد شاگردان اناث: ۶ نفر، تعداد شاگردان متفرقه ذکور: ۲۱ نفر،تعداد شاگردان متفرقه اناث: ۰ نفر.

مدارس دینی در سطح مرکز ولایت: تعداد شاگردان ذکور: ۳۱ نفر.(در بخش اناث و متفرقه شاگرد ندارد)

تعداد مجموع شاگردان ذکور در سطح ولایت غور: ۲۲۶۸

تعداد مجموع شاگردان اناث در سطح ولایت غور: ۴۰۴

تعداد مجموع شاگردان ذکور و اناث در سطح ولایت غور: ۲۶۷۲

## قواعد درست نویسی (در هر شماره یک نکته از این قواعد اینجا درج می شود)

## قوس کوچک یا علامت Quotation Mark " " :

این نشانه هلالین یا قوس ناخنک نیز گفته می شود و در موارد زیر، به کار برده می شود:

الف - برای نقل مستقیم از قول دیگران؛ مثلاً؛ خداوند(ج) در قرآنکریم می فرماید: "هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون." و یا، دانشمندی گفته است: "نه هرکه به قامت مهتر به قیمت بهتر". سعدی میگوید: "همه کس را عقل خوب به کمال نماید و فرزند خود به جمال." در کتاب هفت قلم امین احمد رازی چنین آمده است: "بهمن فرمود تا دانشمندان، زبان فارسی فصیح وضع کردند و آنرا دری نام نهادند".

ب: برای نشان دادن نامهای خاص اشخاص و اشیاء استعمال می شود؛ مثلاً: بسیار شهرها را دیده ام؛ اما "کابل" شهر بزرگی است. یا: "بینوایان" را چندین بار خوانده ام.

ج - اگر کلمه یی در غیر معانی حقیقی و به معنای مجازی به کار می رود، آن را نیز میان این گونه قوسها قرار می دهند؛ مثلاً: در مورد کلمه مادر به جای وطن: فرزندان حقیقی جامعه در راه حفظ نام و نشان "مادر وطن" از جان و مال خود می گذرند.

یاد آوری: هرگاه مطلب نقل قول شده دراز و شامل بند (پاراگراف) باشد، علامت نقل قول در آغاز هر بند، نه و فقط در پایان بند آخر قرار می گیرد، و هرگاه نقل قولی در ضمن نقل قول دیگر بیاید آن را در میان علامت نقل قول، طاقه یا یگانه ( ) قرار می دهیم در حالی که اصل نقل قول بانسانه قوس های ناخنک ( ( )) مشخص می شود؛ مانند: وی گفت: "نشینیده یی که پیغمبر اکرم (ص) فرموده است((أطلب العلم ولو كان بالین))"

همچنان برای نشان دادن برخی نامهای خاص، کلمه ها و اصطلاحات تازه و جعلی یا عامیانه خارجی یا کلمه هایی که مورد تاکید قرار می گیرند، نوشته می شود؛ به گونه مثال: کلمه (( فرهنگ )) فارسی دری را معادل واژه ((کلتور)) فرانسوی گرفته اند. نوشته می شود و در (Capital letters) برخی از واژه ها در زبان انگلیسی به حروف کلان زبان دری، واژه ها و عبارت های که به مفهوم خاص و برجسته به کار روند، میان قوس ناخنک ( ( )) گرفته می شوند؛ مانند:

او دوستش را (( دریای خاموش)) نامیده بود که درون خروشان و متلاطم داشت. همچنان در هنگام ذکر عنوان مقاله ها و رساله ها و اشعار و روزنامه ها و آثار هنری و فصل ها و بخش های یک کتاب در یک نوشته میان قوس ناخنک نوشته می شود: باب اول بوستان سعدی «در عدل و تدبیر و رای « است... یا: من این مطلب را در سرمقاله نشریه «آرمان ملی» خوانده ام.



# فساد اخلاقی

## غلام علی غفوری

**تعریف فساد:** فساد از ریشه «فسد» به معنی تباهی اخلال و منع از رسیدن به یک هدف مطرح است و در زبان لاتین با واژه (corruption) به معنی شکستن یا نقض کردن است که آن ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی آن نقض باشد. به عبارت دیگر، فساد عبارت از پاداش نامشروع است که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می شود.

## زام داران تاریخ معاصر افغانستان از سال ۱۱۲۶ هجری شمسی تا اکنون

عبدالکبیر صدیقی

ردیف	اسم	سال ها		مدت زمام داری		
		آغاز	انجام	روز	ماه	سال
۱	احمدشاه ابدالی	۱۱۲۶	۱۱۵۲	۰	۰	۲۶
۲	تیمورشاه پسر احمدشاه	۱۱۵۲	۱۱۷۲	۰	۰	۲۰
۳	زمان شاه پسر تیمورشاه	۱۱۷۲	۱۱۸۰	۰	۰	۸
۴	محمودشاه پسر تیمورشاه بار اول	۱۱۸۰	۱۱۸۳	۰	۰	۳
۵	شاه شجاع پسر تیمورشاه بار اول	۱۱۸۳	۱۱۹۹	۰	۰	۱۶
۶	محمودشاه پسر تیمورشاه بار دوم	۱۱۹۹	۱۲۱۲	۰	۰	۱۳
۷	امیر دوست محمدخان پسر پاپیتمحمدخان محمدزائی بار اول	۱۲۱۲	۱۲۱۷	۰	۰	۵
۸	شاه شجاع پسر تیمورشاه بار دوم	۱۲۱۷	۱۲۲۰	۰	۰	۳
۹	امیر دوست محمدخان پسر پاپیتمحمدخان محمدزائی بار دوم	۱۲۲۰	۱۲۴۱	۰	۰	۲۱
۱۰	شیرعلی خان پسر دوست محمدخان بار اول	۱۲۴۱	۱۲۴۴	۰	۰	۳
۱۱	محمدافضل خان پسر دوست محمدخان	۱۲۴۴	۱۲۴۵	۰	۰	۱
۱۲	محمداعظم خان پسر دوست محمدخان	۱۲۴۵	۱۲۴۶	۰	۰	۱
۱۳	شیرعلی خان پسر دوست محمدخان بار دوم	۱۲۴۶	۱۲۵۶	۰	۰	۱۰
۱۴	محمدیعقوب خان پسر شیرعلی خان	۱۲۵۶	۱۲۵۷	۰	۰	۱
۱۵	ادامه جنگ افغانستان با انگلیس ها	۱۲۵۷	۱۲۵۸	۰	۰	۱
۱۶	امیر عبدالرحمن خان پسر محمدافضل خان پسر دوست محمدخان	۱۲۵۸	۱۲۷۹	۰	۰	۲۱
۱۷	امیر حبیب الله پسر عبدالرحمن خان	۱۲۷۹	۱۲۹۷	۰	۰	۱۸
۱۸	امیر امان الله خان پسر حبیب الله خان	۱۲۹۷	۱۳۰۷	۰	۰	۱۰
۱۹	حبیب الله خان کلکانی مشهور به بچه (سقاء)	۱۳۰۷/۱۰/۲۷	۱۳۰۸/۷/۲۲	۲۵	۸	۰
۲۰	محمدنادرخان پسر محمدیوسف خان پسر یحیی خان محمدزائی	۱۳۰۸/۷/۲۲	۱۳۱۲/۸/۱۹	۲۷	۰	۴
۲۱	محمدظاهر خان پسر محمدنادر خان	۱۳۱۲/۸/۱۹	۱۳۵۲/۴/۲۶	۷	۸	۳۹
۲۲	محمد داودخان پسر محمد عزیزخان پسر یحیی خان محمدزائی	۱۳۵۲/۴/۲۶	۱۳۵۷/۲/۷	۱۱	۹	۴
۲۳	نورمحمد ترکی	۱۳۵۷/۲/۷	۱۳۵۸/۶/۲۲	۱۵	۴	۱
۲۴	حفیظ الله امین	۱۳۵۸/۶/۲۲	۱۳۵۸/۸/۶	۱۴	۱	۰
۲۵	ببرک کارمل	۱۳۵۸/۸/۶	۱۳۶۵/۲/۱۴	۸	۶	۶
۲۶	داکتر نجیب الله	۱۳۶۵/۲/۱۴	۱۳۷۱/۱/۲۸	۱۴	۱۱	۵
۲۷	شورای نظمی کابل به سرپرستی عبدالرحیم(عاطف)	۱۳۷۱/۱/۲۸	۱۳۷۱/۲/۸	۱۰	۰	۰
۲۸	صیغت الله مجددی	۱۳۷۱/۲/۸	۱۳۷۱/۴/۷	۲۹	۱	۰
۲۹	برهان الدین ربانی بار اول	۱۳۷۱/۴/۷	۱۳۷۵/۷/۷	۰	۳	۴
۳۰	ملا محمدعمر	۱۳۷۵/۷/۷	۱۳۸۰/۸/۲۲	۱۵	۱	۵
۳۱	برهان الدین ربانی بار دوم	۱۳۸۰/۸/۲۲	۱۳۸۰/۱۰/۱	۹	۱	۰
۳۲	حامد کرزی دوره انتقالی و مؤقت	۱۳۸۰/۱۰/۱	۱۳۸۳/۹/۱۷	۱۶	۱۱	۲
۳۳	حامد کرزی اولین رئیس جمهور انتخابی در افغانستان	۱۳۸۳/۹/۱۷				

زن گفت: تو ، با نامی که خودت انتخاب کردی صدایش کن و من با نامی که خودم انتخاب کردم او را می خوانم. سرانجام مادر، بچه خود را به مدرسه فرستاد و بعد از پنج سالگی بچه وی در مدرسه حافظ قرآن شد .

در دفتر معلم آموز گار نیست

آن تربیت که زاده دامن مادر است

رفتار مادر از پی سرمشق کودکان

بهتر ز هر کتاب و ز هر گونه دفتر است

مادران می توانند از این هم بهتر علم ، ادب و اخلاق اسلامی را به فرزندان خود بیاموزند یا از طریق معلم واقعی.

۲- فقر . ۳- بی بند باری . ۴- بیکاری . ۵- اعتیاد. ۶- جهل. ۷- عدم توجه والدین. ۸- خودسری. ۹- نبود تربیه سالم . ۱۰- آرایش های بیجا و حالت اصلی و خدایی خود را تغییر دادن . ۱۱- آلودگی محیط به فساد.

### پیامدهای فساد اخلاقی:

- ۱- فساد اخلاقی سبب از بین رفتن محیط خانواده می شود.
- ۲- حیثیت فامیل ها را در یک جامعه تهدید می کند.
- ۳- زندگی اشخاص را در یک جامعه تهدید می کند.
- ۴- بی اعتمادی به وجود می آید.
- ۵- سبب عداوت و دشمنی در یک جامعه می شود.
- ۶- امراض مختلف را به وجود می آورد؛ از قبیل ایدز و دیگر امراض .
- ۷- زندگی دنیوی و اخروی انسان را به خسران مواجه می کند.

فساد اخلاقی نوعی از فساد که سبب هلاکت انسان ها می شود ، اضرار فساد اخلاقی کمتر از اضرار فساد اداری نبوده بلکه بیشتر از آن است.

فساد اخلاقی همان رابطه نامشروع مرد و زن است که از طرق مختلف ایجاد می شود؛ مثلاً:

- ۱- از طریق تلفون . ۲- رفت و آمد های بیجا. ۳- چشم چرانی.

### عوامل فساد اخلاقی :

۱- نا آگاهی از احکام و راهنمود های استوار دین مقدس اسلام ، پیامد های ناگوار و دل خراشی را به دنبال دارد که سبب تباهی و خسران دنیا و آخرت انسان می گردد ؛ به گونه مثال می توانیم حکایت کوتاه مرد و زنی را شاهد بیاوریم که مرد ، وظیفه و کارش نوازندگی ، رقص و برآوردن خواهشات نفسانی بود ، با قرآن ، نماز و احکام شرعی و دستورات والای اسلامی پایبند نبوده و آشنایی هم نداشت ؛ اما برعکس ، همسر او بسیار مهربان، نیکو کار و مسلمان واقعی بوده و با فرهنگ و دستورات دین مقدس اسلام آشنایی کامل داشت.

فرزندی از این هردو به دنیا آمد ، زن گفت نامش را محمد می گذارم اما مرد قبول نکرد و گفت من از اسم محمد بدم می آید. پس، زن گفت تو هر نامی که می پسندی برایش انتخاب کن. مرد، نام او را مشابه نام های غیر اسلامی که تقلیدی از فیلم های هندی و خارجی بود و با اسامی اسلامی و جامعه اسلامی سازگاری نداشت ، گذاشت.



# زندگی اجتماعی در فرهنگ تحمل پذیری

## استاد فایق

انسان ها در پیرامون زندگی فردی و اجتماعی خویش مجبورند که اندیشه پذیرش و حقیقت جوی را در خود داشته باشند تا آنکه به زیست باهمی اجتماعی و برقراری مناسبات و روابط یکدیگر تاثیرگذار باشند. لذا تا در برابر آزمون سنگینی که در تداوم زندگی اجتماعی بدان روبرو اند بتوانند موفقانه بدر آیند.

هر اجتماع معمولاً از ساختار و ویژگی های خاص برخوردار است که رگه ها و رده های از آن شکل می گیرد که صورت گله یی و متلاشی را با یک نوع نظم فکری توأم ساخته با ارزش ها و نیازهای طبیعی در جامعه مبدل می سازد ، مسلماً چه به صورت گروهی و چه فردی مسوولیت دارند تا در برابر دیگران از فرهنگ تحمل پذیری و خدمت گزاری در کلیه ابعاد زندگی استفاده نموده ، عمل نمایند.

نظام یک جامعه همواره پیوند کلی با ساختارهای اساسی آن دارد که این ساختار با وجود ارزش و تاثیر گذاری فراوان باز هم بیرون از نظم و نزاع همزمان نمی باشد که ثبات و پویایی را به دنبال دارد. از اینجاست که بر روی چارچوب نسبتاً ثابت شکل گیری ها و تعارض و تعامل های به وجود می آید که موفقیت ها را چه فردی باشد یا گروهی مشخص می سازد. در این میان نقش ها ، ارزش ها و سایر پدیده های موثر در خاستگاه عامه تداخل پیدا می کنند ، پس روابط منظم ، رعایت کامل ، هویت عینی ، نیرو و توان و عملکرد واقعی چون یک ضرورت مبرم پا در میان می گذارند.

انسانهای آگاه و روشن در طول تاریخ در برابر ناملایمات اجتماعی و زمانی کوشیده اند تا تحول آفرین در حوزه فرهنگ پر بار دینی و ملی خود باشند و حقایق را ازین طریق جاگزین همه عواملی که ناسازگار و متضاد با فطرت بشری است بنمایند و حسب مقتضیات زمان روحیه اجتماعی را ارزشمند بسازند.

فردی گروهی که از جامعه انسانی هرگاه غرض خدمت گزاری ، فقرزدایی و رشدوتکامل همگانی احساس کنند ووارد صحنه های سازنده اجتماعی شوند،

در حقیقت به تقاضای جامعه و مردم خود تحرک یافته اند. همین است که پیوندهای گسیخته شده ، به اثر همچو ابتکارات دوباره وصل می شود و سطح ارتقای فکری و ذهنی مردم با تقدیم برنامه ها و طرح های مناسب و موثر به وجود می آید. این اقدامات در هر کجا محور خاستگاه مردم بوده در برابر قدرت حاکمه از حقوق عامه به دفاع بر می خیزد، ارتبا طات مردم و حکومت را از راه های مختلف فراهم می سازد. با جلوگیری از اندیشه های تسلط جویی ، استدلال و استعداد فکری را در اذهان مردم زنده و تداعی می نماید.

همیشه پیامد اندیشه های پر بار جوانان و آگاهان سیاسی در اجتماع زاینده یک فرهنگ مسالمت آمیز و دیانت پرور با در نظر داشت مصالح و منافع عامه می باشد که به سرعت جایگاه خود را در دل ها و محفل ها باز خواهد کرد. اگر عده یی در کنش های مثمر ، واکنش و اندیشه تنگ از خود نشان بدهند این امر، در حوزه تفکر آن عده جوانان و کسانی که می خواهند به مردم خدمت کنند و با درد ملت خود شریک و همراه اند و نکابت های روز مره را درک و لمس می کنند برابری و جان خواهد یافت مگر با تعویض چنین طرز تفکر در جامعه، می توانند پیام آور همه حقیقت ها باشند تا آئینه مصدر خدمت در جامعه قرار گیرند.

افغانستان با سپری کردن چند دهه مشکلات فراوان ، تمام زیربنا و شالوده آن از هم فرو پاشیده که امروز به چنگ معضله های چندین بعدی قرار دارد که تا هنوز روحیه یکدیگر پذیری با کمال نرسیده مگر جوانان می توانند به سازندگی و آگاهی کامل نقش براننده خود را در اجتماع نشان بدهند و همچنان عوامل از هم پاشیدگی ها را ریشه یابی نموده از بیخ و بن قلع و قمع نمایند. این امر مهم ، منوط است به همیاری آگاهان سیاسی و اجتماعی جوانان نخبه و ارتباط و هماهنگی سازمان ها و موسسات فرهنگی، با شمول سایر نهادهای ذیدخل در جامعه. همچنان با کمک و همکاری عامه مردم ، رسیدن به موفقیت کامل بسیار آسان خواهد بود که ازین طریق همه دشواری ها و نابسامانی ها را مرفوع ساخته به سعادت و رفاه مزید دستیابی حاصل گردد.

## ... ادامه آیا می دانید:

آیا می دانید که بنیان گذار تاریخ هجری حضرت عمر(رض) هستند، ابتدای تاریخ را از سال هجرت حساب نمودند و محرم آن سال را اول سال و تاریخ هجری قرار دادند و این کار را در سال هفدهم هجری انجام دادند؟

آیا می دانید ده صحابه پیامبر(ص) که در دنیا به آنها مژده بهشت داده شد (عشره مبشره) ، عبارت از : حضرات ابوبکر، عمر ، عثمان، علی ، سعد ، سعید، ابوعبیده، طلحه، زبیر و عبدالرحمن رضی الله عنهم بودند؟

آیا می دانید مدت نزول قرآن کریم بر پیامبر صلی الله علیه وسلم ۲۳ سال بود؟

آیا می دانید تنها سوره یی که در قرآن کریم بسم الله الرحمن الرحیم ندارد سوره توبه است؟

آیا می دانید تنها سوره یی که در قرآن کریم دو بسم الله دارد، سوره نمل است؟

آیا می دانید تنها سوره یی که در قرآن کریم حرف میم ندارد ، سوره کوثر است؟

آیا می دانید که اگر شما در حال حمل قرآن باشید، شیطان دچار درد شدید در سر می شود؟

آیا می دانید پیامبری که در گهواره با مردم سخن گفت ، حضرت عیسی (ع) بود؟

در قرآن کلمه یوم « روز » به تعداد روزهای سال یعنی ۳۶۵ بار و کلمه ی شهر « ماه » به تعداد ماه های سال یعنی ۱۲ بار آمده است ؟

آیا می دانید حضرت محمد (ص) ۳ سال مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت کرد .

## ایجاد کورس های آموزشی با کیفیت

## گامی استوار به سوی ترقی

### محمد رسول اعتماد

آموزش و تعلیم و تربیه اصل اساسی زندگی بشریت را تشکیل می دهد که همه سهولت و انکشاف جامعه بشریت محصول تعلیم و تربیه بوده است، متأسفانه این اصل مهم طی چند دهه جنگ های داخلی به شدت صدمه دیده حتا مدتی به فراموشی مبدل گردیده بود. که خوش بختانه بعد از آغاز دهه هشتاد با باز شدن دروازه های مکاتب به روی مردم دو باره مورد استقبال تمام اتباع کشور قرار گرفت که این روند نسبت به همه عرصه های زندگی مردم افغانستان پیش رفت قابل ملاحظه یی را نموده است.

در ولایت غور همه جوانان و تحصیل کرده گان، امروز شاهد هستند که کورس های آموزشی به صورت ابتدایی تو سطره استاد مرحوم گل احمد مدهوش که یک انسان تعلیم و تربیه دوست بود ، راه اندازی می شد که با علاقه خاص در خدمت علاقمندان کورس های آموزشی قرار داشت که هیچ خستگی را احساس نمی کرد، از آغاز صبح الی شام علاقه داشت که در پای تخته سیاه بعد از رخصتی مکتب کورس تدریس کند و این روند را نهادینه سازد که این فکر و زحماتش به یاد ماندنی است.

امروز را مشاهده کنید که چقدر از جوانان تحت نام های مختلف کورس (مراکز آموزشی) ایجاد می کنند و در خدمت نوجوانان و جوانان قرار دارند که تلاش های شان قابل قدر است .

دوستانی که مراکز آموزشی را ایجاد کرده اند باید تمام شرایطی که لازم است با خود داشته باشند، امروز پروسه آموزش سه جنبه اساسی را در بر دارد:

۱- محیط آموزشی خوب .

۲- استاد مجرب همراه با مواد آموزشی.

۳- ایجاد انگیزه و علاقه مند ساختن شاگردان به درس.

مردم غور نسبت به دیگر مردم افغانستان از لحاظ اقتصادی، فقیر تر می باشند و به خاطری که منبع کاریابی در غور وجود ندارد، تنها و تنها منبع عایداتی مردم شغل زراعت و مالداری شان می باشد، پول مصارف یک شاگرد در ایام زمستان که به فیس کورس و خرج اتاق خود مصرف می کند بسیار به مشکل پیدا می شود ، این مکلفیت دست اندرکاران مراکز آموزشی است که شرایط فوق را برای دانش آموزان مهیا سازند و از طرف دیگر کورس آموزشی باید نصاب آموزشی معین را داشته باشد که یک شاگرد زمانی شامل کورس می شود که نصاب آموزشی با استعداد و توانایی شاگرد مطابقت داشته باشد. هرگاه این شرایط در نظر گرفته نشود مراکز آموزشی ، جفا به آینده اولاد مردم می کنند که هم وقت گران بهای جوانان و نوجوانان و هم به اقتصاد خانواده ها ضربه وارد می کنند.

جوانانی که به صفت مسوول و استاد در مراکز آموزشی فعالیت دارند، این مسوولیتی است که نسبت به جامعه و شهروندان شان دارند تا برای روشن کردن چراغ های دانش در خانواده ه تلاش دلسوزانه خویش را به خرج دهند، در صورت بی توجهی به این اصل و اجرای مسوولیت به شیوه دلسردانه و عدم دقت به این پروسه مهم حقوق جامعه و شهروندان در گردن شان باقی خواهد ماند.

مراجعی که از کورس های آموزشی نظارت می کنند باید مسوول مراقبت نصاب و پروگرام های آموزشی باشند که آیا این روند واقعاً درد بخور و قابل قبول پروسه آموزشی است یا این که هر کس هرچه دلش بخواهد می کند و مبلغ پولی را به نفع شخصی خود کمای کند.